| تاریخ دریافت:۱۳۹۵/۹/۱ | تاریخ پذیرش:۱۳۹۵/۱۰/۲۸ |

مدیریت اسلامی، مدیریت مبتنی بر سنت‌های الهی مورد مطالعه: سنت رزق

علیرضا افضلی

دانشجوی دکتری تخصصی آینده‌پژوهی دانشگاه تهران، تهران، ایران

a_afzali313@yahoo.com

چکیده

سـنت‌های الهی، قوانینی هستند که خداوند بر عالم خلقت حاکم فرموده است و از طریق آنها، تدبیر خود را در عالم تکوین، جاری می‌سـازد. با کشف و استخراج سنن الهی از قرآن کریم و روایات اهل‌بیت : و تبیین نظام حاکم بر آنها، می‌توان بـه یک چارچوب شـناختی هنجاری ویـژه از عالم خلقت و نظـام تدبیر خداوند رسـید. شـناخت این سنن و احتسـاب آنها در حوزه‌های مختلف علمی، از جمله در مدیریت اسـلامی، می‌تواند مفید واقع شود. با احتساب سنن الهی در مدیریت اسـلامی و هماهنگ سـاختن نظام تدبیر بشـری با نظام تدبیـر خداوند و طراحی حرکت مبتنی بر آنها، می‌توان گفت که مدیریت اسلامی از جایگاه ممتاز و ویژه‌ای نسـبت به علم مدیریت رایج برخوردار خواهد شـد. در این مقاله در ابتدا به تبیین سـنن الهی و ضرورت لحاظ آن در تدوین علوم انسـانی اسلامی، به‌ویژه مدیریت اسلامی پرداخته شده است. در ادامه به طور خاص به سنت رزق به عنوان یکی از سنن الهی حاکم بر خلقت و به تأثیرات لحاظ این سنت در علم مدیریت اسلامی اشـاره می‌شود. سـنت رزق از جمله سننی است که خداوند بر عالم خلقت حاکم

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.1.3]

ساخته است و از طریق آن رزق و روزی بندگان خود را تدبیر می‌کند. روش تحقیق در این مقاله بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای منابع موجود و تحقیق بر روی آیات قرآن کریم با استفاده از روش‌های تفسیری است.

کلیدواژگان: سنت‌های الهی، سنت رزق، نظام حاکم بر سنن، مدیریت اسلامی، علوم انسانی اسلامی.

مقدمه

امروزه پس از گذشت بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی ایران و بحث درباره ضرورت نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی اسلامی، دیگر چیستی مدیریت اسلامی و ضرورت تدوین آن جزو مباحثی است که تقریباً تبیین شده و نیاز به بحث ندارد؛ بلکه بیشتر به مدل‌سازی و تولید محتوا و نظریه‌پردازی در این حوزه نیاز است. درباره مدیریت اسلامی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. یکی از این رویکردها، تأثیرگذاری اسلام بر مدیریت از طریق نظام ارزشی خود است. این رویکرد، اثرگذاری اسلام بر نظریه‌ها و روش‌های علم مدیریت را ناشی از ارزش‌های اسلامی می‌داند. مدیریت اسلامی شیوه‌ای از مدیریت است که تمامی افراد یک مجموعه را به صورت انسان‌های مسئول و متأثر از ارزش‌ها با جهت‌دهی نظام ارزشی اسلام در نظر می‌گیرد. در واقع اسلام دارای یک نظام ارزشی پویا و منظم است که می‌تواند در پاسخ به پرسش‌های بشر با توجه به مقتضیات زمان و ارزش‌های خاص خود، احکام مشخص و معینی در مقوله‌های اجتماعی و از جمله مدیریت صادر کند. وجه تمایز مدیریت اسلامی از دیگر نظام‌ها، در نظام ارزشی است که ناشی از جهان‌بینی الهی است.

یکی از آموزه‌های مهم و راهبردی اسلام که به‌روشنی از آیات و روایات استنباط می‌شود و جایگاه مهمی در جهان‌بینی و نظام ارزشی اسلام دارد، آموزه سنن الهی است. در آیات بسیاری از قرآن کریم و روایات اهل‌بیت : ، نکات فراوانی درباره ضرورت توجه به سنن و لحاظ آنها در تعامل با عالم خلقت آمده است. با بررسی تحقیقاتی که در حوزه مدیریت اسلامی صورت گرفته و بررسی پیشینه پژوهش، بحث از ضرورت توجه به سنن الهی و جایگاه آن در مباحث مدیریت اسلامی، در تحقیقات این حوزه خالی است و نیاز به توجه به سنن الهی و تبیین آنها و لحاظ آنها در مدیریت اسلامی، جدی است. لذا در این مقاله بر آن شدیم تا به این آموزه مهم در حوزه مدیریت اسلامی بپردازیم و تأثیر توجه و لحاظ آن در حوزه علوم انسانی اسلامی و به‌ویژه مدیریت اسلامی را بررسی کنیم. لذا در ابتدا مقدمات ورود به بحث شامل بیان مسئله و پیشینه تحقیق و

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.1.3]

روش تحقیق ارائه شده و به دنبال آن به ادبیات تحقیق شامل بحث سنن الهی و ضرورت آن پرداخته خواهد شـد و در گام بعد، سـنت رزق به عنوان یکی از سـنن الهی تبیین شده و تأثیرات آن در حوزه مدیریت اسـلامی مورد بررسـی قرار خواهد گرفت. گفتنی اسـت که روش تحقیق در این مقاله بر اسـاس روش مطالعات کتابخانه‌ای برای بررسـی سنن الهی و تبیین جایگاه آن در مدیریت اسلامی اسـت. همچنین از روش‌های تفسـیری و روش اجتهادی برای استخراج سـنت رزق از منابع دینی استفاده خواهد شد.

در این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها هستیم:

۱. آیا می‌توان از آموزه سنن الهی در علم مدیریت اسلامی استفاده کرد؟

۲. سنن الهی چه جایگاهی را در آموزه‌های اسلامی دارند؟

۳. «سنت رزق» در آیات و روایات چگونه است؟ و چه قواعد و قوانینی در جهت روزی دادن خداوند به بندگان در عالم خلقت وجود دارد؟

۴. نظـام سـنن الهی و به‌خصـوص چارچوب سـنت رزق، چـه تأثیراتی را بر حـوزه مدیریت اسلامی می‌گذارد؟

۱. پیشینه تحقیق

در تبییـن سـنن الهی، مقـالات و کتاب‌های مختلفی وجـود دارد. هرچند که تعـداد این مقالات و کتاب‌ها بسـیار اسـت، اما به نظر می‌رسد که کارهای انجام‌شده، در مقابل حجم کاری که می‌تواند صورت گیرد، بسـیار کم اسـت. همچنین در تبیین سـنت رزق نیز مقالات و کتاب‌هایی وجود دارد که در جدول زیر به برخی از آنها اشـاره می‌شـود؛ اما درباره استفاده و لحاظ سنن الهی در مدیریت اسلامی، به جز یک مقاله که به تبیین سنت رزق و اعتقاد به آن در نظام کسب و کار پرداخته است، کار جدی‌ای در این زمینه به چشـم نمی‌خورد. بنابراین تحقیق پیش‌رو از لحاظ توجه به سـنن الهی و چگونگی استفاده از آنها در تدوین مدیریت اسلامی دارای نوآوری است.

جدول شماره ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	پژوهشگران	عنوان پژوهش	گزارشی از پژوهش
۱	آل رسول، سوسن؛ بردابرد، پروین (۱۳۹۲)	توسعه و قبض رزق و روزی از منظر قرآن کریم	بحثی در این باره که توسعه و قبض رزق، تابع مشیت خداوند است که آن را به اذن خود به شرایط و عواملی وابسته می‌کند. از جمله این شرایط کوشش و تلاش انسان و یاد خداست.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.1.3]

ردیف	پژوهشگران	عنوان پژوهش	گزارشی از پژوهش
۲	عبداللهی‌پور، مهدی؛ مهدوی‌راد، محمدعلی (۱۳۹۱)	حکمت گونه گونی روزی‌ها از دیدگاه قرآن	بحث درباره دلایل تفاوت رزق مخلوقات، که عبارت‌اند از عامل بقای آفرینش، بستر تجلی آزمون الهی، مصلحت آفریدگان
۳	عبداللهی‌پور، مهدی (۱۳۹۱)	فلسفه تکفّل روزی‌ها از جانب خداوند در قرآن	این مقاله پس از آنکه به معنای رزق می‌پردازد، به فلسفه و حکمت ارتزاق مخلوقات توسط خداوند و اینکه چرا خداوند روزی دادن آنها را بر عهده گرفته، پرداخته است. برخی از این حکمت‌ها بدین قرارند: ۱. روزی‌رسانی از باب تفضل خداوند بر بندگان است. ۲. فلسفه تکفل روزی‌ها و فلسفه آفرینش به هم پیوند خورده است، که آن عبارت است از بندگی و عبودیت انسان در محضر آفریننده خویش.
۴	جدیدی، احمد (۱۳۹۰)	رزق و روزی در قرآن و روایات	بحث درباره کاربردهای کلمه رزق در قرآن، رازق بودن خداوند و وجوب رزق مخلوقات، کافی بودن رزق برای مخلوقات، تلاش و طلب رزق، عوامل توسعه و تنگی روزی
۵	پورطولمی، منیرالسادات (۱۳۸۹)	رحمت الهی و رزق بندگان در هستی‌شناسی قرآن	بحث درباره سنت عمومیت رحمت خداوند و ارتباط آن با رزق مخلوقات، موارد استعمال رزق در قرآن، اسباب نزول رزق، رابطه سنت رزق با اختیار و تلاش و تدبیر انسان
۶	علی‌اصغر، هادوی نیا (۱۳۸۷)	جایگاه اقتصادی سنت رزق	این مقاله به مقایسه بین قانون‌های طبیعی و سنت‌های الهی می‌پردازد. در ادامه نیز به معنای رزق پرداخته شده است. همچنین از آموزه توحید افعالی برای تبیین سنت رزق کمک گرفته می‌شود. نیز مجاری سنت رزق بررسی می‌شود، که یکی از آنها سنت تسخیر و دیگری کار و تلاش است. همچنین اندکی به سنت برکت و ارتباط آن با سنت رزق توجه شده است. به نظر نویسنده، سنت برکت مرتبه‌ای از سنت رزق است.
۷	حجتی، سیدمحمدباقر؛ رضایی، علی (۱۳۸۶)	جمع میان مفهوم مقدر بودن رزق با تأثیر تلاش و تدبیر در جلب رزق	این مقاله به مقدر بودن رزق و حکمت‌های آن می‌پردازد. در ادامه به مفهوم طلب رزق توجه می‌کند و مقایسه‌ای بین انواع طلب را بیان می‌دارد. در نهایت به این مطلب اشاره می‌شود که تلاش و تدبیر انسان در جلب رزق، از عوامل دخیل در تقدیر الهی رزق است.
۸	فولادگر، محمد (۱۳۸۲)	رزق و رزاق از دیدگاه قرآن	بحث درباره انواع رزق بر حسب اعتبارات مختلف: رزق حلال و رزق حرام، رزق طالب و رزق مطلوب، رزق تکوینی و رزق تشریعی، رزق کریم، رزق گشاده و رزق تنگ، رزق حسن. همچنین اسباب توسعه و تنگی رزق مورد بحث قرار می‌گیرد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.1.3]

ردیف	پژوهشگران	عنوان پژوهش	گزارشی از پژوهش
۹	فولاد، محمد؛ خاری آرانی، سمیه (۱۳۹۴)	بازکاوی عوامل توسعه رزق در اسلام	بحث درباره ضرورت روزی حلال و اثرات آن، عوامل توسعه و تنگی روزی، معنای رزق و انواع رزق
۱۰	باقری، مصباح الهدی؛ سپهری، مهدی؛ مسعودی پور، سعید (۱۳۹۲)	تبیین جایگاه سنت رزق و اعتقاد به آن در کسب‌وکار از دیدگاه قرآن کریم	تعریف سنت و روش استخراج آن، و بحث درباره ویژگی‌های سنن و تقسیم‌بندی سنن، معنای رزق و موارد استعمال آن در قرآن و صفاتی که برای آن در قرآن به کار رفته است؛ دوگان‌های رزق (دنیوی اخروی، مادی معنوی و...)؛ الگوی مفهومی سنت رزق که شامل رازق، رزق و مرزوقی می‌شود؛ قبض و بسط رزق و حکمت آن؛ عوامل گشایش و تنگی رزق؛ کارکردهای سنت رزق در کسب و کار؛ رفتار مرزوقین در قبال قبض و بسط رزق

۲. ادبیات تحقیق: سنن الهی

۲-۱. تعریف سنت

واژه «سنت» مجموعاً شانزده بار در قرآن به کار رفته است. در برخی آیات این واژه به صورت مفرد، یعنی «سنّه» به کار رفته است؛ مانند آیه ﴿سُنَّةَ اللَّه الَّتی قَدْ خَلَتْ من قَبْلُ وَ لَن تَجدَ لسُنَّة اللَّه تَبْدیل﴾ (الفتح: ۲۳)، و در برخی آیات به صورت جمع مکسر، یعنی «سُنَن» به کار رفته است؛ مانند آیه ﴿قَدْ خَلَتْ منْ قَبْلکمْ سُنَنٌ فَسیرُوا فی الْأَرْض فَانْظُروا کیفَ کانَ عاقبَةُ الْمُکذّبینَ﴾ (آل‌عمران: ۱۳۷).

واژه سنت از ماده «سَنَنَ» اخذ شده است. در کتاب مقاییس اللغه درباره این واژه آمده است:

> حروف اصلی این کلمه «سنن» می‌باشد و به معنای جریان پیدا کردن و جاری شدن چیزی و همگانی شدن و عمومیت پیدا کردن آن به‌راحتی است. اصل استعمال این واژه برای ریختن آب بر روی صورت به کار می‌رود؛ به نحوی که آب به‌راحتی جاری شود. از این ماده، واژه «سنت» اشتقاق پیدا کرده است که به معنای سیره می‌باشد و وجه تسمیه آن به خاطر آن است که سنت جریان پیدا می‌کند و جاری می‌شود (ابن‌فارس، ۱٤۰٤ق، ج۳، ص٦۰).

جوهری در صحاح می‌گوید: ﴿السَّنَنُ: الطریقة. والسُنَّةُ: السیرةُ. وَسَنَنْتُ الترابَ: صببتُه علی وجه الأرض صَبًّا سهلًا. وکذلک سَنَنْتُ الماء علی وجهی، إذا أرسلتَه إرسالًا من غیر تفریق. فإذا فرَّقتَه فی الصبّ قلتَه بالشین المعجمة﴾ (الجوهری، ۱۳۷۶، ج۵، ۲۱۴۱)؛ یعنی سَنَن به معنای روش و سُنَت به معنای سیره است. سننت التراب به معنای آن است که خاک را به‌راحتی بر روی زمین ریختم. همچنین در باره آب به کار می‌رود که در مثال فوق، به معنای آن است که آب بر روی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.1.3]

صورتم ریختم به طور مداوم، و اگر آب ریختن به طور مداوم و پیوسته نباشد، واژه «شنّ» به کار می‌رود.

با توجه به عبارت‌هایی که از کتب لغت ذکر شد و جمع‌بندی آنها، به نظر می‌رسد که در واژه «سنن» سه مؤلفه معنایی وجود دارد که از برجستگی خاصی برخوردارند: الف) جریان داشتن و جاری بودن، ب) سهولت در جریان، ج) دوام، ثبات و استمرار. وقتی این سه مؤلفه معنایی با هم ترکیب شوند، ما را تا حدی به معنای ریشه‌ای این واژه نزدیک می‌کنند؛ یعنی می‌توان گفت که سنت چیزی است که جریان دارد و به سهولت جاری می‌باشد، و در عین حال دوام و استمرار دارد. لذا علامه طباطبائی در تعریف این واژه می‌گوید: «سنت همان طریقه و روش معمول است که به اقتضای طبیعت خود، غالباً و یا به طور دائم جریان دارد» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص۳۴۰).

البته واژه «سنت» در علم حدیث نیز به کار می‌رود که به عنوان مثال، سنت‌النبی عبارت است از «طریقة النبی ﷺ قولاً و فعلاً و تقریرا أصالة أو نیابة»(طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص۲۶۸)؛ یعنی عبارت است از قول و عمل و تقریر پیامبر به صورت اصلی و یا نیابتی. بنابراین هر کلامی که به پیامبر و معصومین : استناد داده شود و حکایت‌کننده قول، فعل و تقریر آن حضرات باشد، حاکی از سنت و سیره پیامبر و معصومین : است.

منظور از «سنت» در این نوشتار که به دنبال تبیین آن هستیم، «سنت الله» است که عبارت است از «روش‌ها و رویه‌هایی که خداوند متعال امور عالم و آدم را بر پایه آنها تدبیر و اداره می‌کند و از ویژگی‌های آن تخلف‌ناپذیری و تبدیل‌ناپذیری است» (مصباح یزدی، ۱۳۶۸، ص۴۲۵). سنن الهی، قوانین ثابت و مستمری است که حق‌تعالی بر جهان تکوین و بر انسان و اجتماعات انسانی حاکم نموده است، و امور عالم و آدم را بر اساس آن تدبیر و اداره می‌کند. خداوند سبحان از طریق همین قوانینی که وضع کرده، اراده خود را بر جهان محقق می‌سازد. بنابراین تحقق اراده الهی در عالم وجود از طریق همین قوانین ثابت و پایدار و مستمری است که از آنها به عنوان سنن الهی یاد می‌شود.

در میان محققان نیز این سنت‌ها گاهی به عنوان «سنن اجتماعی» مطرح شده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۶۸، ص۴۲۵)، و گاهی نیز به عنوان «سنن تاریخی» (صدر، ۱۳۹۳، ص۱۳۷)، و گاهی نیز به عنوان «سنت‌های الهی»، که تفاوتی با هم ندارند. منتها به نظر می‌رسد به کار بردن اصطلاح «سنن الهی» با توجه به شمولیت و توسعه بیشتر آن، بهتر باشد. ما نیز در این نوشتار از واژه سنن الهی استفاده می‌کنیم.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.1.3]

۲-۲. ویژگی‌های سنن الهی

سنت‌های الهی ویژگی‌هایی دارند که به برخی از آنها در آیات قرآن کریم تصریح شده است. برخی دیگر از این ویژگی‌ها از تعریف و موارد استعمال آن در آیات قرآن قابل فهم‌اند. در اینجا به برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های سنن الهی اشاره می‌شود.

۱-۲-۲. الهی و ربانی بودن سنن

نخستین ویژگی، خدایی بودن این سنت‌هاست. این سنن هویت و موجودیتشان را از خداوند می‌گیرند؛ یعنی وضع این قوانین و جاری شدن و برطرف شدن آنها، به دست خداوند است. اینها «سنت الله» و به عبارت دیگر «کلمات الله» هستند. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبَرُواْ عَلَى مَا كُذِّبُواْ وَ أُوذُواْ حَتَى أَتَاهُمْ نَصْرُنَا وَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللّهِ﴾ (انعام: ۳۴)؛ « بی‌تردید، پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند؛ ولی بر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند صبر کردند تا نصرت ما به ایشان رسید و سخنان خداوند را تغییردهنده‌ای نیست».

تأکید قرآن بر الهی بودن سنت‌های تاریخ و خصوصیت غیبی داشتن آنها، برای پرورش اندیشه وابستگی انسان به خداست.

۲-۲-۲. عمومیت داشتن سنن الهی

عمومیت داشتن سنن الهی بدین معناست که این سنن به قوم خاصی اختصاص ندارند، بلکه تکرارپذیرند و شامل همه ملت‌ها و اقوام می‌شوند. آیات گوناگونی از قرآن به این نکته اشاره دارند. برای نمونه خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿قَدْ خَلَتْ من قَبْلِكمْ سُنَنٌ فَسِيرُواْ فى الْأَرْض فَانظُرُواْ كيفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذّبين﴾ (آل‌عمران: ۱۳۷)؛ « قطعاً پیش از شما سنت‌هایی [بوده و] سپری شده است. پس در زمین بگردید و بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است؟».

در جای دیگر نسبت به کسانی که به دنبال استثنا در جاری شدن سنن الهی بودند، می‌فرماید: ﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تَدْخُلُواْ الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يأْتِكم مَّثَلُ الَّذينَ خَلَوْاْ من قَبْلِكم مَّسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَ زُلْزِلُواْ حَتى يقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذينَ ءَامَنُواْ مَعَهُ مَتى نَصْرُ اللَّه أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّه قَريب﴾ (بقره: ۲۱۴)؛ «آیا پنداشتید که داخل بهشت می‌شوید و حال آنکه هنوز مانند آنچه بر [سر] پیشینیان شما آمد، بر [سر] شما نیامده است؟ آنان دچار سختی و زیان شدند و به [هول و] تکان درآمدند، تا جایی که پیامبر [خدا] و کسانی که با وی ایمان آورده بودند گفتند: یاری خدا کی خواهد بود؟. آگاه باشید که پیروزی خدا نزدیک است».

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.1.3]

معنـای این آیات آن اسـت که همـه امت‌هایی که قبل از شـما زندگی می‌کردند، این سـنت‌ها درباره‌شان جاری شده است. سنت‌های الهی روابطی اتفاقی و کورکورانه نیستند، بلکه شکلی ثابت و تخلف‌ناپذیر دارند و تا وقتی جهان در وضع عادی بر منوال طبیعی خود سیر می‌کند و تغییری در آن مشـاهده نمی‌شود، این قوانین در عالم جاری خواهند بود. اهمیت این ویژگی ممتاز سنن الهی، آن است که موجب می‌شوند بتوان در پرتو آنها قوانینی علمی تدوین کرد.

۳-۲-۲. ثابت بودن و تغییرناپذیر بودن سنن الهی

خداوند سبحان در قرآن می‌فرماید: ﴿فَلَن تَجدَ لسُنَّة اللَّه تَبدیلًا وَلَن تَجدَ لسُنَّة اللَّه تَحویلاً﴾ (فاطر: ۴۳)؛ «هرگز برای سنت خدا تبدیلی نمی‌یابی و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت».

بـا دقـت در ایـن آیه می‌بینیـم کـه دو واژه «تبدیـل» و «تحویل» از سـنن الهی نفی شـده‌اند. «تبدیل» در لغت به معنای چیزی را جای چیزی دیگر قرار دادن اسـت: «جعل الشـیء مکان آخر» (راغـب، ۱۴۱۲ق، ص۱۱۱). «تحویـل» به معنـای تغییر و نقل دادن از جایی به جای دیگر اسـت: «حوّلتـه تحویلا: نقلته من موضع الـی موضع آخر» (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج۲، ص ۳۱۷). علامه طباطبائی در توضیح این دو واژه می‌نویسد:

> تبدیل سـنت خداوند به این اسـت که عذاب خداوند را بردارند و به جایش نعمت و رفاه بگذارنـد (عذاب به ضدش تبدیل شـود)، و تحویل سـنت عبارت اسـت از آنکه عذاب قومی را که مسـتحق آن می‌باشـند، به سـوی قوم دیگری برگردانند (که آنها مسـتحق این عذاب نیسـتند). سـنت خداوند نـه تبدیل می‌پذیرد و نـه تحویل. برای آنکـه خداوند بر صراط مستقیم قرار دارد و حکم او نه تبعیض دارد و نه استثنا (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج۱۷، ص۸۳).

بـه عبارت دیگر می‌توان گفـت تبدیل، دگرگون کردن قانون اسـت و تحویل، دخالت در تطبیق قانون است.

۳-۲. انواع سنن الهی

۱-۳-۲. سنت‌های دنیوی و سنت‌های اخروی

سنت‌های دنیوی به سنت‌هایی گفته می‌شود که مربوط به عالم دنیا هستند و زندگی دنیایی انسان را دربرمی‌گیرند. سـنت‌های اخروی سنت‌هایی‌اند که مربوط به عالم آخرت بوده، در آنجا جاری‌اند؛ مانند سنت جزا و پاداش که در آخرت درباره جهنمیان و بهشتیان روی می‌دهد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.1.3]

۲-۳-۲. سنت‌های مطلق و سنت‌های مقید

سنت‌های مطلق (غیرمشروط)، سنت‌هایی هستند که مسبوق به اراده و فعل و اختیار انسان نیستند. در مقابل سنت‌های مقید (مشروط)، سنت‌هایی‌اند که به اراده و فعل اختیاری انسان بستگی دارند و بر اساس اراده و فعل و اختیار و انتخاب انسان تحقق می‌یابند؛ یعنی این نوع از سنن بر حسب رفتار انسان جاری و ساری است. این سنت‌های مقید خود به دو دسته سنن مرتبط با اهل حق (مانند سنت یاری)، و سنن مرتبط با اهل باطل (مانند سنت اضلال) تقسیم می‌شوند.

۳-۳-۲. سنت‌های تکوینی و سنت‌های تشریعی

سنت‌های تکوینی سنت‌هایی هستند که در عالم خلقت و تکوین قرار داده شده‌اند و بر آن حاکم هستند و وجه توصیفی دارند. این سنت‌ها خود به سه دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول سنت‌هایی هستند که مربوط به جهان خلقت‌اند؛ دسته دوم سنت‌هایی که مربوط به انسان‌اند و دسته سوم سنت‌هایی که مربوط به جامعه انسانی‌اند. به عبارت دیگر، یک سلسله از سنن مربوط به حیات فردی انسان و دسته دیگر مربوط به حیات جمعی انسان‌ها هستند.

سنت‌های تشریعی، بایدها و نبایدها و الزاماتی هستند که خداوند در عالم حاکم فرموده است. نسبت بین سنت‌های تشریعی با سنت‌های تکوینی بدین صورت است که سنت‌های تشریعی مبتنی بر سنت‌های تکوینی‌اند و از درون آنها خارج می‌شوند. به عبارت دیگر نمی‌توان سنت‌های تشریعی را خارج از سنت‌های تکوینی لحاظ کرد. برای مثال می‌توان به آیه ﴿یمْحَقُ اللَّهُ الرّبا وَ یرْبی الصَّدَقات﴾ (بقره: ۲۷۶) (خداوند ربا را تباه می‌سازد و صدقات را افزون می‌کند) اشاره کرد، که سنتی تکوینی است و مبتنی بر این سنت تکوینی، سنت تشریعی ﴿أَحَلَّ اللَّهُ الْبَیعَ وَحَرَّمَ الرّبا﴾ (بقره: ۲۷۵) (خداوند معامله را حلال و ربا را حرام کرده است) جاری است.

۳. چرایی و ضرورت توجه به سنن الهی در مدیریت اسلامی

در آیاتی از قرآن کریم به ضرورت توجه به سنت‌هایی که درباره اقوام گذشته جاری گشته‌اند، اشاره شده است. در اینجا به چند نمونه از این آیات اشاره می‌شود: ﴿أَفَلَمْ یسیرُواْ فی الْأَرْض فَینظُرُواْ کیفَ کانَ عَاقبَةُ الَّذینَ من قَبْلهم﴾ (محمد: ۱۰)؛ « آیا در زمین نگردیده‌اند تا فرجام کسانی را که پیش از آنان بوده‌اند بنگرند؟».

در این آیه بر سنت‌های الهی تکیه شده و بر کاوش روی حوادث تاریخ برای دست یافتن به سنت‌های الهی و عبرت و موعظه گرفتن از آنها اصرار گشته است. همچنین می‌توان به آیات ۱۳۷

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.1.3]

سوره آل‌عمران و ۱۰۹ سوره یوسف اشاره کرد که مضمونی نزدیک به مضمون این آیه دارند و بر سیر در روی زمین و کشف سنت‌های الهی و دقت و تدبر در آنها تأکید دارند.

﴿فَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَّشِيدٍ أَفَلَمْ يَسِيرُواْ فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ ءَاذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِن تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ﴾ (حج: ۴۵ و ۴۶)؛ «چه بسیار شهرها را که ستمکار بودند هلاکشان کردیم، و اینک آن شهرها بر سقف‌هایش فرو ریخته است، و چه بسیار چاه‌های آب که رها شده و قصرهای افراشته [که بی‌صاحب مانده‌اند]. آیا در زمین گردش نکردند تا صاحب دل‌هایی شوند که با آن بیندیشند یا گوش‌هایی که با آن بشنوند؟ در حقیقت چشم‌ها کور نمی‌شود، و لیکن دل‌هایی که در سینه‌هاست کور می‌شود».

﴿وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُم بَطْشًا فَنَقَّبُواْ فِي الْبِلَادِ هَلْ مِن مَّحِيصٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ﴾ (ق: ۳۶-۳۷)؛ «چه بسیار نسل‌هایی را که پیش از ایشان هلاک نمودیم که از آنها قوی‌تر بودند و در شهرها رخنه کردند. آیا [از قدرت خدا] گریزی هست؟ قطعاً در این [عقوبت‌ها] برای آن کس که صاحب دل است یا با حضور قلب گوش فرا می‌دهد عبرتی است».

از مجموع این آیات، ضرورت کشف سنت‌های الهی و تعمیق و تدبر در آنها اثبات می‌شود. بر اساس این آیات در جهان خلقت سنت‌هایی قرار داده شده و این سنت‌ها در مورد اقوام گذشته پیاده شده است و در مورد نسل‌های آینده نیز هم امکان تحقق دارد. پس خداوند توصیه می‌کند بر روی زمین بگردید و این سنت‌ها را ببینید و در آنها تأمل و تدبر کنید و با استفاده از آنها برای آینده خود تصمیم بگیرید.

شهید صدر در این باره می‌گوید:

> قرآن به عنوان اولین کتابی است که به این قوانین و سنت‌های الهی اشاره فرموده است، و بر وجود این سنت‌ها و جاری بودن آنها اصرار می‌ورزد و با این نوع تفکر که حوادث عالم خودبه‌خود و از روی اتفاق صورت می‌گیرد، به‌شدت مقابله می‌کند. همچنین قرآن با این نظر که حوادث در دست تقدیرات غیبی است و ما را در برابر آن جز تسلیم و رضا، چاره‌ای نیست، به مخالفت صریح برمی‌خیزد؛ بلکه برعکس عقل بشر را هشدار می‌دهد که در این عالم خلقت، سنن و قوانینی حاکم است، و برای اینکه انسان بتواند بر سرنوشت خود حاکم شود و بتواند در این قوانین نفوذ کند، باید شناختی نسبت به این سنت‌ها و قوانین داشته باشد. در غیر این صورت، هرچند شما چشم‌بسته باشید، اما آن قوانین بر شما

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.1.3]

حکومت خواهد کرد. شـما چشـمانتان را باز کنید و این سنت‌ها و قوانین را ببینید تا شما بر آنها حاکم گردید، نه اینکه آنها بر شما تأثیر بگذارند (صدر، ۱۳۹۳، ص۱۵۷-۱۵۸).

سنن الهی مجرای تحقق اراده الهی‌اند؛ یعنی امر خداوند از طریق این سنت‌ها در نظام خلقت جاری و سـاری می‌شـود. به تعبیر عامیانه می‌توان سنن الهی را به سیسـتم عامل رایانه نظام خلقت تشـبیه کرد، که این رایانه خلقت از طریق سیسـتم عامل سنن الهی کار می‌کند. شناخت این سنن و حرکت مبتنی بر آن موجب می‌شـود که انسان هماهنگ با نظام خلقت شده، اراده انسان در راستای مدار حق و مشیت الهی قرار گیرد و با اراده خداوند هماهنگ شود و در نتیجه فعالیت و تلاش او از ثمره لازم برخوردار می‌گردد؛ چراکه در این حالت عوامل مادی مطابق با عوامل معنوی و در راستای آن قـرار می‌گیرنـد و در نتیجه فعل ما از قدرت و اراده خداوندی برخوردار خواهد شـد که در نتیجه صلاحیت استقرار و بقا را خواهد داشت.

اگر ما تاکنون در مباحث تولید علوم انسانی اسلامی، نظام‌سازی، جامعه‌سازی و از همه مهم‌تر در بحث تمدن‌سـازی، به سنن الهی توجه نکرده‌ایم، واقعاً دچار غفلت بسیار بزرگی شده‌ایم؛ یعنی بدون آنکه زمین بازی را طراحی کرده باشـیم، شـروع کرده‌ایم به بازی کردن و در نتیجه جامعه‌مان دچار مشکلات کنونی شده است. بحث از سنن الهی با هیچ‌یک از فروع و احکام دین قابل مقایسه نیسـت؛ چراکه همه آن احکام و فروع در بسـتر سـنن الهی تحقق می‌یابند. ما می‌توانیم بگوییم که سـنن الهی بر هستی‌شناسـی، انسان‌شناسـی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسـی ما تأثیر می‌گذارند؛ یعنی بحث از سـنن الهی بحثی مبنایی اسـت که قبل از ورود به نظام‌سـازی و تولید علوم انسـانی اسـلامی باید جایگاهمان را نسبت به آن مشخص کنیم. لذاست که این بحث در مدیریت اسلامی از جایگاهی ویژه و ممتاز برخوردار اسـت. می‌توان ادعا کرد که سـنت‌پژوهی روش‌شناسـی تولید علوم انسانی اسلامی، مبتنی بر سنن الهی است.

به رغم کتاب‌ها و مقالاتی که در زمینه سنن نوشته شده است - که البته بسیار اندک است- انجام پژوهش‌هایی دیگر درباره سـنن لازم اسـت. به نظر می‌رسد بحث سـنن الهی این ظرفیت را داشته باشد که به عنوان یک رشته علمی در دانشگاه‌ها ارائه شود و توسعه یابد.

۴. چگونگی کشف و استخراج سنن و استفاده از آنها در مدیریت اسلامی

برای اسـتفاده از سـنن در مباحث مدیریت اسـلامی نیاز داریم که سـنت‌های الهی را به طور کامل احصـا و جمـع‌آوری کنیم؛ اما در این مرحله باید دو نکته را تبیین کرد: منبع کشـف سـنن و روش جمع‌آوری.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.1.3]

۱-۴. منبع سنن الهی

۱-۱-۴. وحی به مثابه منبع کشف سنن

یکی از منابع مهم در بحث سنت، قرآن است. در قرآن کریم با سنن الهی آشنا می‌شویم که خداوند سبحان به عنوان خالق هستی و عالم تکوین و همچنین شارع و قانون‌گذار حوزه شریعت، آنها را تأسیس و بر جهان حاکم کرده است. این قوانین الهی، به طور کامل در قرآن ذکر شده‌اند. به‌جرئت می‌توان گفت که دست‌کم نود درصد آیات قرآن ناظر بر سنت هستند و می‌توان از درون آنها سنت را کشف کرد. در نگاهی حداکثری می‌توان گفت که تمام قرآن ناظر به بحث سنن است. به عبارتی همه آیات رابطه‌ای ثابت را که خداوند جعل کرده است، به ما نشان می‌دهند.

در گام بعد، روایات پیامبر اکرمﷺ و امامان معصوم : قرار دارند که به عنوان منبع قوی در بحث سنن می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند. همچنین ادعیه‌ای که از سوی معصومین : صادر شده‌اند نیز می‌تواند به عنوان یکی از منابع مهم در کشف سنن لحاظ شوند. برای مثال، صحیفه سجادیه دربرگیرنده نکات مهمی درباره سنن است.

وقتی با نگاه حداکثری به منابعی که تا کنون درباره سنن مورد بحث قرار گرفته‌اند توجه می‌کنیم، حدود سی سنت را می‌یابیم. این تعداد در برابر حجم عظیم سننی که می‌توان استخراج کرد، بسیار کم به نظر می‌رسد. البته این بدین معنا نیست که ما به دنبال تکثیر سنن و افزایش تعدادشان باشیم، بلکه به دنبال احصای کامل و تبیینشان هستیم؛ چراکه شناختن هر چه دقیق‌تر آنها و احصای کاملشان به شناخت کامل‌تر ما از نظام هستی و قوانین حاکم بر آن می‌انجامد.

ما به تحقیقات گسترده در بحث سنن نیازمندیم. نیاز است که برای کشف سنن، قرآن، احادیث و ادعیه، بارها و بارها از ابتدا تا انتها کانون بررسی و تحقیق قرار گیرند. تفاوتی که در احصای سنن از این دو منبع (قرآن و حدیث) می‌توان قائل شد، تقدم رتبی قرآن در استخراج سنن نسبت به روایات و احادیث و ادعیه است. به عبارت دیگر، ما در ابتدا نظام سنت‌ها را از قرآن استخراج می‌کنیم و در گام بعد، این نظام حاصله را با احادیث و روایات تکمیل می‌نماییم؛ یعنی آیات قرآن به عنوان محور بحث در شکل دادن این نظام مورد لحاظ قرار می‌گیرند و سپس تکمیل‌کننده این نظام، روایات معصومین : است.

۲-۱-۴. عقل به مثابه منبع کشف سنن

عقل نیز می‌تواند به عنوان یکی از منابع در کشف سنن لحاظ شود. دین همه چیز را درباره سنن ذکر نکرده است و برخی موارد را به حساب تجربه و کشف عقل گذاشته است. لذا این‌گونه نیست

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.1.3]

که عقل هیچ بهره‌ای در کشـف سنن نداشته باشد. البته قوانینی که عقل می‌تواند آنها را کشف کند، قوانینی هسـتند که در عالم مشـهود قرار دارنـد و نه در عالم غیب؛ اما در حـوزه عالم غیب فقط از طریق وحی است که می‌توان این سنت‌ها را کشف کرد.

۲-۴. روش جمع‌آوری

درباره منبع وحی، قطعاً روش اجتهادی بهترین روش در کشف سنن از منابع نقلی (قرآن و روایت) اسـت. با اسـتفاده از روش اجتهـادی رایج در علم فقه، می‌توانیم سـنن الهـی را از آیات و روایات استخراج کنیم؛ اما باید در اجرای صحیح این روش، دقت لازم را داشت.

اگـر بخواهیم در اسـتخراج سـنن از قـرآن، از کلیدواژه کمـک بگیریم، می‌تـوان کلیدواژگانی مانند «سـنت»، «کلمه»، «قول»، «مثل»، «عبرت»، «ذکر»، «آیه»، «تذکره»، «مثل»، «تعقلون»، «تذکرون»، «کذلک» و «عسـی» و نیز واژگانی را که مرتبط با قضای خداوند و اراده الهی باشـند، لحاظ کرد. همچنین سرگذشت اقوام گذشته که در قرآن ذکر شده است، یک منبع مهم برای کشف سنن به حساب می‌آید. در این بین اسلوب‌های شرطی از جایگاه مهمی در یافتن سنن برخوردارند؛ اما باید گفت که همه این کلیدواژه‌ها محدود هستند و شامل همه سننی که در قرآن ذکر شده است، نمی‌شوند. چه بسیار سنن دیگری در قرآن وجود دارند که با این کلیدواژگان و اسالیب نمی‌توان آنها را یافت. لذا ضرورت دارد که کل قرآن از ابتدا تا انتها با موضوع سنن بررسی شود؛ آن هم به دفعات مختلف. همچنین درباره روایات مانند قرآن، باید از ابتدا تا انتهایش، بارها بررسـی شـود و روایاتی که ناظر بر سنن هستند، استخراج گردند.

در بحث احصای سـنن از قرآن کریم، باید به سـیاق آیاتی که سـنت در آنها ارائه شـده اسـت، مکـی و مدنی بودن آیات، الفاظ به‌کاررفته برای بیان سـنت، جایگاه لفـظ در آیه و جایگاه آیه در آن مجموعه و نوع بیان به طور کلی دقت شـود. مثلاً باید دقت شـود که سنت‌هایی که درباره فرد به کار می‌روند، کارکرد اجتماعی دارند یا خیر. در گام بعد باید بررسـی شـود که آیا تعمیم آنها بر تاریخ و تمدن امکان‌پذیر است یا خیر؟ البته در روش اجتهادی، اگر به طور صحیح و دقیق پیاده شود، تمام این دقت‌ها صورت خواهد گرفت.

به طور کلی در اسـتفاده از سـنن الهی در حوزه مدیریت اسـلامی، ابتدا باید احصای کامل از سـنن و همچنین ویژگی‌های هر یک از سنن و شرایط تحقق هر یک از آنها انجام شود. باید هر یک از سـنن به‌تنهایی بررسـی شوند و تبیین خوبی از شکل و شرایط تحقق آنها صورت گیرد. هر یک از سنن الهی در یک چارچوب و شرایط خاص جاری خواهند شد که لازم است این ویژگی‌ها و شرایط

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.1.3]

خاص تحقق هر سـنت به نحو کامل و جامع احصا شـود. در گام بعد لازم اسـت نحوه تعامل سنن الهی با یکدیگر به طور دقیق تبیین شود. کشف چگونگی تعامل سنن الهی از مراحل مهم و سخت و دقیق است که دقت بسیار بالایی را می‌طلبد. استفاده از تاریخ گذشته و وقایع تاریخی می‌تواند در کشف هرچه دقیق‌تر نحوه تعامل سنن الهی راه‌گشا باشد.

با شناخت سنن الهی و احصای دقیق آنها و تبیین نحوه تعامل آنها با یکدیگر، می‌توان به سامانه دقیقی از سـنن الهی رسید که این سـامانه می‌تواند چارچوب شـناختی هنجاری بی‌بدیلی از عالم خلقت را به ما ارائه دهد. مبتنی بر این سـامانهٔ به‌دسـت‌آمده از سـنن الهـی، می‌توان موضوعات و مباحث مختلف را تبیین، و تحلیل خوبی از آنها ارائه کرد.

در بخـش بعـد به طور خلاصه به عنوان مطالعه موردی، «سـنت رزق» مـورد بحث قرار گرفته اسـت و به خرده سـنن مرتبط با آن به عنوان سننی که شکل‌دهنده جریان سنت رزق در عالم خلقت هسـتند، اشاره می‌شود. با بررسـی کتاب‌ها و مقالات گوناگون در حوزه سنت رزق، به نظر می‌رسد که این نوع تحقیق در احصای سـنت رزق و تبیین خرده سـنن مرتبط با آن صورت نگرفته اسـت و ایـن تحقیق در نوع خود، از نوآوری برخوردار اسـت. در نهایت هم بـه برخی از تأثیرات آن بر علم مدیریت اشاره می‌شود.

۵. سنت رزق

در این بخش ما به دنبال تبیین سنت رزق و خرده سنن مرتبط با آن، مبتنی بر آیات و روایات هستیم. لذا در ابتدا آیات قرآن کریم بررسـی خواهند شـد. کلیدواژه‌ای که برای این بخش در احصای آیات مرتبـط بـا موضوع بحث می‌تـوان انتخاب کرد، کلیدواژه «رزق» با تمام مشـتقات آن اسـت؛ ولی همان‌طور که قبلاً ذکر شـد، با توجه به کاسـتی‌هایی که در استفاده از کلیدواژه برای استخراج آیات وجود دارد، لازم دیده شـد که کل آیات قرآن کریم از ابتدا تا انتها بررسـی شود؛ چراکه آیات دیگری وجود دارند که تبیین‌کننده سنت رزق هستند، ولی با کلیدواژه مذکور نمی‌توان آنها را به دست آورد. لـذا لازم دیده شـد تا کل آیات قرآن از ابتدا تـا انتها مورد کاوش قرار گیرد و آیـات مرتبط، انتخاب شـود. پس از اسـتخراج کل آیات مرتبط با سنت رزق و سـپس تأیید صحت فهم آیات با استفاده از تفاسـیر المیزان و مجمع‌البیان و تفاسـیر روایی مانند نورالثقلین و البرهان، این آیات نظام‌دهی شـد و نظام حاکم بر سـنت رزق از درون این آیات اسـتخراج گشـت. در گام بعد برای تکمیل این نظام به‌دست‌آمده، روایات اهل‌بیت : مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت با جمع بین آیات و روایات، نظام حاکم بر سنت رزق احصا شد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.1.3]

در این بخش در ابتدا تعریف رزق، و در ادامه چگونگی سـنت رزق در آیات و روایات و خرده سنن مرتبط با آن به همراه مستنداتش به‌اجمال ارائه می‌شود.

۱-۵. تعریف رزق

در کتـاب صحاح اللغه، رزق به معنای چیزی آمده اسـت که از آن نفع برده می‌شـود و مورد انتفاع قرار می‌گیرد (جوهری، ۱۳۷۶، ج۴، ص۱۴۸۱). مصطفوی در کتاب خود پس از ذکر اقوال برخی علمای علم لغت، در جمع‌بندی معنای رزق می‌گوید: رزق بخششی خاص است که مطابق با حال طرف مقابل و احتیاجات اوست و موجب تداوم زندگی او می‌شود و این به‌صورت مداوم در جریان است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج۴، ص۱۲۴).

بـا جمع‌بندی عباراتی که در کتب لغت ذکر شـده اسـت، به نظر می‌رسـد کـه در واژه «رزق» دو مؤلفـه معنایـی وجود دارد که از برجسـتگی خاصی برخوردارند: الف) تطابق داشـتن با حال و احتیاجات طرف مقابل، ب) تداوم و جریان داشتن. توجه به دو قید مذکور نشان‌دهنده قضاوت بین مفهوم رزق و مفاهیم دیگری مانند درآمد، بخشـش، احسـان و انفاق است؛ چراکه رزق، آن چیزی اسـت که مطابق با نیاز فرد و احتیاجات اوسـت و برای ادامه حیات او لازم و ضروری است و مورد انتفاع و بهره شـخص قـرار می‌گیرد. لذا پیامبر اکرمﷺ در روایتـی می‌فرماید: «از مال تو آن مقدار برای توسـت و رزق تو حسـاب می‌شـود که بخوری و تمام کنی، یا بپوشـی و از بین ببری، و یا آنکه ببخشی و از آن درگذری، و باقی آن مال برای وارثین توست» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج۷، ص۱۳۸).

البته گفتنی است که این تعریف از واژه رزق، تنها امور مادی را شامل نمی‌شود؛ چراکه شرط انتفاع و بهره‌مندی و مطابقت با احتیاجات شـخص، شـامل امور معنوی مانند عزت، کرامت، علم، نبوت، خلافت، امامت و ولایت نیز می‌شود. در قرآن کریم این واژه هم در امور مادی مانند باران، مانند آیـه ﴿وَمَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاء من رِّزْقٍ فَأَحْيا به الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها﴾ (جاثیه: ۵)، هم در خوراک و نوشیدنی، مانند آیه ﴿كلُواْ وَ اشْرَبُواْ من رِّزْق اللَّه﴾ (بقره: ۶۰)، هم در امور معنوی مانند نبوت به عنوان رزق نیکو، مانند آیه ﴿قَالَ يا قَوْم أَرَءَيتُمْ إن كنتُ عَلى بَيِنَةٍ مّن رَبّى وَرَزَقَنى منْهُ رِزْقًا حَسَنًا﴾ (هود: ۸۸)، هم در پاداش اخروی، مانند آیه ﴿وَالَّذينَ هَاجَرُواْ فى سَبيل اللَّه ثُمَّ قُتلُواْ أَوْ مَاتُواْ لَيرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا﴾ (حج: ۵۸) و هم در بهره‌گیری از قرآن، مانند آیه ﴿وَتجعَلُونَ رِزْقَكمْ أَنَّكمْ تُكذّبُون﴾ (واقعه: ۸۲) به کار رفته است.

بنابرایـن در معنای رزق این‌گونه می‌توان نتیجه‌گیری کرد که رزق، هر آن چیزی اسـت که مورد انتفاع انسـان قرار می‌گیرد و انسـان در زندگی و حیات خود، به آن نیاز دارد؛ حال می‌خواهد مادی باشد یا معنوی، دنیوی باشد یا اخروی.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.1.3]

۲-۵. مروری بر آیات قرآن و احادیث در رزق

واژه رزق با همه مشـتقاتش به طور کلی، ۱۲۳ بار در قرآن کریم به کار رفته اسـت. ما در این بخش بـه ارائه آیاتی که با رزق مرتبط‌اند و بیان‌کننده سـنت رزق هسـتند، می‌پردازیـم. در آیات مربوط به رزق، قواعدی که خداوند در رزق دادن به بندگان رعایت می‌کند، ذکر شـده اسـت. با احصای این قواعد و جمع‌بندی و تکمیل آنها با روایات مرتبط با رزق، می‌توان به تصویری زیبا از سنت رزق در آیات و روایات دسـت یافت. می‌توان گفت که این قواعد، خرده‌سننی هستند که سنت کلان رزق را شکل می‌دهند.

۱-۲-۵. خداوند، روزی‌دهنده مطلق

در آیات مختلفی از قرآن کریم به این نکته اشـاره شـده که روزی‌دهنده فقط خداوند اسـت (فاطر: ۳) و روزی دادن، یکی از افعال مختص خدای تعالی است (عنکبوت: ۶۰)؛ هرچند که اسبابی در مسـیر روزی دادن وجود داشته باشد. خزائن الهی، همه به دست اوست (حجر: ۲۱) و اگر خداوند بخواهد روزی‌اش را منع کند، هیچ‌کس جلودار او نیست (ملک: ۲۱) و نمی‌تواند به جای او روزی دهد.

۲-۲-۵. تعهد شخص خداوند نسبت به رزق بندگان

بر طبق آیه ششـم سـوره مبارکه هود، هیچ جنبنده‌ای در زمین نیسـت مگر اینکه روزی‌اش بر عهده خداوند اسـت و رزق همه جنبندگان به‌عنوان حقی بر عهده خداوند هسـت. همچنین بر طبق آیات ۵۷ و ۵۸ سوره ذاریات و ۱۳۲ سوره طه، خداوند از انسان‌ها رزق نخواسته است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «خداوند رزق شما را بر عهده گرفته است» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۱۴).

۳-۲-۵. رسیدن حتمی و قطعی رزق به بندگان از آسمان

بـر طبق آیات ﴿وَفِی السَّـمَاءِ رِزْقُکُمْ وَمَا تُوعَـدُونَ * فَوَرَبِّ السَّـمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْـلَ مَا أَنَّکُمْ تَنطِقُونَ﴾ (ذاریات: ۲۲-۲۳)، رزق بندگان از عالم غیب به عالم شهود نازل می‌شود، و خداوند این مسـئله را امری قطعی و حتمی ذکر می‌کند؛ مانند صحبت کردن. چطور شـما درباره صحبت کردن خود شک ندارید و آن را حق می‌شمارید؟ رزق شما نیز همین‌طور حق و حتمی است و هیچ شکی در رسیدن آن به خودتان نداشته باشید.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.1.3]

۵-۲-۴. راحتی رزق‌رسانی برای خداوند، هرچند از راه‌های ظاهراً پیچیده و سخت

در نظامی که خداوند قرار داده است، روزی انسان به‌راحتی به او می‌رسد و لازم نیست چندان سخت و پیچیده، رزق خود را از طبیعت به دست آورد، بلکه رزق او در دسترس خواهد بود. بر طبق آیه ۱۵ سوره مبارکه ملک، خداوند مبتنی بر سنت تسخیر، زمین را مسخر انسان قرار داده است تا انسان بتواند در آن سیر کند و به هر روشی که ممکن است روزی خود را از آن استخراج کند. لذا می‌بینیم در اجرای سنت رزق در عالم خلقت، خداوند سنت تسخیر زمین و موجودات دیگر را نیز جاری کرده است، تا به‌راحتی رزق انسان به دست او رسد (یس: ۳۳-۳۵).

۵-۲-۵. نقش مشیت خداوند در تعیین و قبض و بسط رزق

بر طبق آیه ۳۰ سوره اسراء و ۱۲ سوره شورا، خداوند هر طور بخواهد بر طبق مشیت خود، روزی بندگان را توسعه می‌دهد یا تنگ می‌گرداند و روزی بندگان را بر طبق مشیت و اراده خود، مقدر می‌فرماید. امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «رزق را فقط خداوند کم و زیاد می‌فرماید» (ری‌شهری، ۱۳۸۴، ج۵، ص۲۰۴۲).

۵-۲-۶. تفاوت روزی بندگان

یکی از سنت‌های خداوند در رزق، آن است که خداوند این رزق را متفاوت قرار داده و برخی را بر برخی دیگر برتری داده است (نحل: ۷۱). این تفاوت در خلقت، مایه امتحان است که مشخص شود چه کسی به وظیفه خود عمل می‌کند (انعام: ۱۶۵). همچنین در این تفاوت که خداوند در خلقت قرار داده است، انسان‌ها با هم ارتباط می‌یابند و جامعه به هم گره می‌خورد و رابطه رئیس و مرئوسی و تسخیر بین آنها به وجود می‌آید و آنها به هم نیاز پیدا می‌کنند (سنت استخدام) (زخرف: ۳۲). در این صورت است که جامعه شکل پیدا می‌کند.

۵-۲-۷. تقدیر روزی بندگان به اندازه صلاحشان

خداوند روزی بندگان را در بین آنها تقسیم فرموده و روزی هر یک از آنها را به مقداری که موجب صلاحشان می‌شود، مقدر ساخته است (حجر: ۲۱). حکمت آن را هم این‌گونه بیان می‌فرماید که اگر روزی بندگان را بسط و گسترش دهد، آنها بر روی زمین فساد خواهند کرد (شورا: ۲۷)؛ زیرا طبیعت مال این‌گونه است که وقتی زیاد می‌شود، گردن‌کشی و طغیان را به همراه می‌آورد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.1.3]

۸-۲-۵. تقدیر رزق انسان از راه حلال

بر طبق نکته گذشته و آیات ذیل آن، خداوند رزق بندگان را به مقداری که صلاحشان است، مقدر فرموده است. از سوی دیگر، خداوند رزق انسان‌ها را از حرام، از این حیث که حرام و معصیت است، مقدر نفرموده؛ چراکه خود خداوند، گناهان بندگان را به خود نسبت نداده و تشریع عمل زشت را از خود نفی کرده است (اعراف: ۲۸؛ نحل: ۹۰). در روایات بسیاری این نکته تذکر داده شده که خداوند برای هر انسانی، رزقی از حلال مقدر فرموده است و اگر انسان به جای این رزق حلال، سراغ رزق حرام برود، این رزق حرام به جای آن رزق حلال و در حد و اندازه آن برایش به حساب می‌آید و درعین‌حال، شخص به خاطر رزق حرام مجازات می‌شود (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج۱۷، ص۴۷).

۹-۲-۵. رزق مقدر حلال به مثابه رزق خیر

رزقی که خداوند برای انسان مقدر فرموده، خیر اوست (طه: ۱۳۱). خداوند در آیه ۸۶ سوره مبارکه هود، پس از آنکه از عمل زشت قوم شعیب نهی می‌کند -که کم‌فروشی می‌کردند و در وزن و پیمانه کم می‌گذاشتند- می‌فرماید: «باقی‌مانده سود که خداوند برای شما قرار داده، برای شما بهتر است، اگر که ایمان آورده‌اید». لذا سود و رزق حلالی که خداوند برای شما پسندیده، برای شما بهتر است از سودهایی که از راه‌های نامشروع و حرام به دست می‌آورید.

۱۰-۲-۵. نیکو بودن رزق بر اساس ایمان و عمل صالح

خداوند تبارک و تعالی بر طبق آیه ۱۱ سوره طلاق می‌فرماید: هر کس که به خداوند ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، خداوند رزقش را نیکو می‌گرداند. البته درباره اینکه رزق نیکو چیست، علامه طباطبائی آن را ایمان و توفیق عمل صالح دانسته که رزقی معنوی است. برخی مفسران نیز آن را بهشت دانسته‌اند؛ ولی می‌توان گفت که رزق چنین شخصی نیکوست، و این رزق اطلاق دارد؛ چه دنیوی باشد و چه اخروی.

۱۱-۲-۵. سختی زندگی برای اعراض‌کنندگان از یاد خدا

خداوند سبحان می‌فرماید: (وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذکری فَإِنَّ لَهُ مَعیشَةً ضَنْکاً) (طه: ۱۲۴). کلمه «معیشه» به معنای هر آن چیزی است که انسان به وسیله آن، ادامه حیات می‌دهد (راغب، ۱۴۱۲ق، ص۵۹۶). کلمه «ضنک» نیز به معنای تنگ است که درباره هر چیز که به کار رود، تنگی آن را بیان

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.1.3]

می‌کند؛ مانند مکان تنگ (راغب، ۱۴۱۲ق، ۵۱۲). خداوند در آیه یادشده می‌فرماید: هر کس از یاد خدا اعراض کند، دچار زندگی و معیشت تنگ و سخت می‌شود. منظور از زندگی تنگ و سخت، صرفاً به این معنا نیست که مال اندکی شامل حالش می‌شود، بلکه ممکن است شخص مال فراوانی داشته باشد، ولی نتواند از آن استفاده کند؛ یا ممکن است در عین داشتن مال فراوان، مشکلات و سختی‌های بسیاری در زندگی داشته باشد و دچار عدم آرامشی شود که آن زندگی با تمام مکنت برایش تنگ شود.

۱۲-۲-۵. رزق «من حیث لایحتسب» برای افراد باتقوا

خداوند بر طبق آیات دوم و سوم سوره طلاق، می‌خواهد به انسان پرهیزکار، خارج از نظام محاسباتی و از جایی که احتمالش را نمی‌دهد، روزی دهد. در تفسیر نورالثقلین ذیل آیه فوق آمده است که از امام صادق علیه‌السلام درباره این آیه پرسیده شد؛ آن حضرت فرمودند که در دنیا، این روزی، من حیث لا یحتسب به او می‌رسد (عروسی، ۱۴۱۵ق، ج۵، ص۳۵۵).

۱۳-۲-۵. اگر احتمال کفر مؤمنان وجود نداشت، هر آینه خداوند به کفار مال فراوان می‌داد

با توجه به آیه ۱۸ سوره اسراء، هر کس که در طلب دنیا باشد و دنیا را هدف خود قرار داده باشد و امیدی به آخرت نداشته باشد، خداوند دنیا را به مقداری که خود بخواهد (نه آنکه شخص بخواهد) به او می‌دهد. همچنین با توجه به آیات ۳۳ تا ۳۵ زخرف، اگر احتمال تحقق امت واحده بر کفر نمی‌بود، خداوند به کسانی که کفر ورزیدند و به خدا و روز جزا ایمان نیاوردند، دنیایی فوق‌العاده مهیا می‌داد؛ اما در آخرت، بهره‌ای از این مواهب نخواهند داشت. این نشان می‌دهد که دنیا و رزق آن ارزش چندانی ندارد.

۱۴-۲-۵. تفاوت رزق و «فضل»

خداوند رزق انسان‌ها را برحسب صلاح آنها در میانشان تقسیم فرموده و برای هر انسانی رزقی مشخص تعیین کرده است. در عین حال خداوند فضلی کثیر دارد که آن را بین بندگان خود تقسیم نفرموده و قابل تغییر است و بر طبق آیه ۳۲ نساء، به درخواست از فضل خداوند امر شده و دعا در این زمینه مفید است. این فضل به دست خداوند است و به هر که بخواهد، می‌دهد (حدید: ۲۹). فضل، مقداری فراتر از اجر و رزق مخصوص است که به‌واسطه رحمت الهی داده می‌شود.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.1.3]

۱۵-۲-۵. در دستیابی به رزق، طلب و تلاش در حد انجام وظیفه لازم است

در آیه ۲۳ روم، به دست آوردن رزق، از طرفی از آیات و نشانه‌های خداوند شمرده شده است و از طرفی بیان شده که خداوند با توجه به سنت تسخیر، موجودات را مسخر انسان گردانید تا انسان بتواند رزق خود را از طریق آنها به دست آورد (نحل: ۱۴). همچنین با توجه به آیه ۱۷ عنکبوت، به طلب کردن و به دست آوردن رزق نزد خداوند دستور داده شده است نه در نزد غیر خداوند. بر طبق روایات انسان باید به دنبال طلب رزق باشد و در این مسیر وظیفه خود را انجام دهد. اینکه رزق انسان کفایت و تضمین شده است، نباید مانع از طلب و کوشش در جهت دست یافتن به رزق شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج۱۷، ص۱۷). همچنین در مواقع سخت، مانند جنگ و مواقع حساس، مانند روز قبل از ظهور نیز انسان نباید دست از طلب رزق بردارد (همان، ص۲۶). بر طبق روایات، حد طلب رزق آن است که انسان نه دنیای خود را تباه کند و نه حرص به دنیا داشته باشد و به آن دل ببندد؛ بلکه باید حالت میانه‌روی و اعتدال داشته باشد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۵، ۸۲).

حال ممکن است پرسیده شود که مگر رزق مقدر نیست؟ پس چرا باید به دنبال آن رفت؟ در پاسخ می‌توان گفت که رزق انسان مقدر است به طلب او، نه به عدم طلب؛ یعنی بر طبق روایات چنین نیست که انسان فقط مشغول عبادت باشد و رزق مقدر او برسد (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج۱۷، ص۲۵)؛ بلکه شرط رسیدن روزی آن است که انسان وظیفه خود را در طلب رزق انجام دهد. البته اینکه تأکید می‌شود در طلب رزق وظیفه خود را انجام دهد، به‌تناسب شخص فرق می‌کند (همان، ج۱۷، ص۵۵).

۱۶-۲-۵. لزوم نترسیدن از فقر

بر طبق آیه ۲۸ سوره توبه، اگر در مقابله با دشمنان و طبق محاسبات مادی، به سبب قطع ارتباط با آنها به فقر دچار می‌شویم و از فقر می‌ترسیم، باید بدانیم که خداوند در این مقابله، در صورتی که به دستور و وظیفه عمل کنیم، ما را از فضلش غنی خواهد کرد؛ بلکه در مقابل تحریمی که دشمن بر ما اعمال می‌کند، اگر صبر کنیم گشایش ایجاد خواهد شد. چنین نیست که خداوند رزق ما را فقط در رفع تحریم منحصر کرده باشد، بلکه مبتنی بر این آیه، باید به وظیفه خود عمل کنیم و در عمل به وظیفه، غنی شدن از فضل خداوند وجود دارد.

همچنین با توجه به آیه ۳۲ سوره نور نیز این نکته برداشت می‌شود که اگر بنا بر محاسبات مادی، بخواهید به وظیفه عمل کنید و ازدواج کنید، ممکن است فقیر شوید؛ اما ازآنجاکه تکلیف ما عمل به وظیفه است و رزق از سمت خداوند تضمین شده است، نباید از فقر ترسید؛ چراکه خداوند

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.1.3]

خودش ما را بی‌نیاز می‌کند. لذا محاسبات مادی در این میان چندان مورد توجه نیست و رزق از طریق عمل به وظیفه، به انسان می‌رسد.

۱۷-۲-۵. رزق طالب و رزق مطلوب

در روایات مختلفی (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج۱۷، ص۴۷) بر این نکته تصریح شده که رزق انسان بر دو نوع است: رزقی که به دنبال انسان است (رزق طالب) و رزقی که انسان به دنبال آن است (رزق مطلوب). نوع اول رزقی است که به دنبال انسان می‌آید و جوینده شخص است و به او خواهد رسید. در این نوع اول، نیاز به طلب و درخواست کردن نیست؛ نوع دوم رزقی است که برای انسان مقدر شده و مشروط است به طلب و درخواست شخص و تا انسان آن را طلب نکند، به آن دست نمی‌یابد. به عبارت دیگر، این رزق مقدر است به درخواست و طلب کردن شخص.

۱۸-۲-۵. گشوده شدن دری دیگر از رزق

در برخی روایات (همان، ص۵۳) این نکته ذکر شده است که اگر خداوند دری از رزق را به روی انسان ببندد، در دیگری از رزق را به سوی انسان می‌گشاید که از آن بهتر است. به عبارت دیگر خداوند به دنبال رهاسازی انسان مؤمن از محاسبات مادی در رزق و رهاسازی او از نگاه به اسباب و علل در رزق خود است و می‌خواهد او را کاملاً از این چارچوب بیرون آورد و تحت ولایت و حاکمیت خود قرار دهد.

۱۹-۲-۵. عوامل توسعه رزق

بر اساس بسیاری از آیات و روایات، کارها و عواملی وجود دارند که موجب تغییر در رزق انسان و افزایش آن می‌شوند. با دقت در این آیات (طلاق: ۷؛ نوح: ۱۰-۱۲) و روایات، این نکته برای انسان تقویت می‌شود که افزایش روزی، اساساً بر خلاف محاسبات مادی است؛ مثلاً ازدواج کردن یا دادن صدقه و زکات. بنابراین در سنت رزق، نباید چندان در چارچوب محاسبات مادی حرکت کرد. همچنین از دیگر عوامل می‌توان به آسان گرفتن بر خانواده، اطعام کردن، کمک مالی کردن به برادر مؤمن، امانت‌داری، دعا پشت‌سر برادر مؤمن، دائم‌الوضو بودن، زکات دادن، خوش‌نیت بودن (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ج۵، ۲۰۵۶)، زیارت امام حسین علیه‌السلام (ابن‌قولویه، ۱۳۵۶، ص۱۵۱)، قرائت قرآن در منزل (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۲، ۶۱۰)، دعا و تعقیب در بین‌الطلوعین (همان، ص۴۷۸)، مدارا و نرمی کردن (همان، ص۱۱۹)، خوش‌رفتاری با همسایه (همان،

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.1.3]

ص۶۶۶)، صله رحم (همان، ص۱۵۲) و گفتار نیک داشتن (ابن‌بابویه، ۱۳۷۶، ص۲) اشاره کرد.

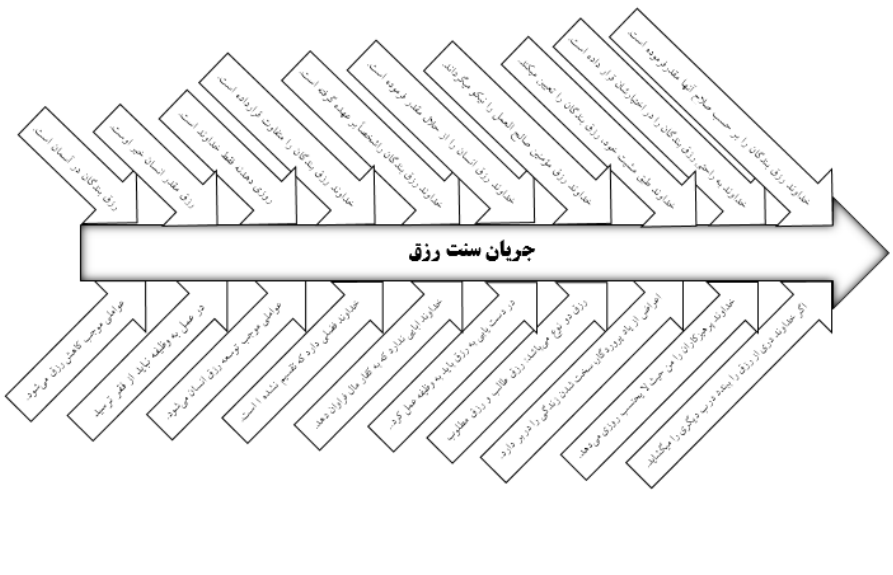
۲۰-۲-۵. عوامل کاهش رزق

در روایات گوناگونی، عواملی به عنوان اسـباب کاهش رزق ذکر شـده‌اند. از این عوامل می‌توان به گناه کردن، حرام‌خواری زیاد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵، ج۵، ص۲۰۵۸)، زنا (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۲، ص۴۴۸)، خیانـت در امانت (حرانـی، ۱۳۶۳، ص۲۲۱)، دروغ گفتن (ابن‌بابویه، ۱۴۰۶ق، ص۴۲)، بداخلاقی (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص۲۶۴)، خواب بین الطلوعین (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ق، ج۱، ص۵۰۴)، ابراز فقر کردن (حرانی، ۱۳۶۳، ص۴۲)، غنا (ابن‌حیون، ۱۳۸۵، ج۲، ۲۰۷)، دعا نکردن و نخواستن روزی از خداوند (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص۲۶۸) اشاره کرد.

۳-۵. جمع‌بندی سنن مرتبط با رزق

در قسـمت قبل آیات و روایاتی که بیان‌کننده سنن مرتبط با رزق بودند، ذکر شد. همان‌طور که گفته شـد، می‌توان این نکات را به عنوان خرده‌سـنن در نظر گرفت که سنت کلان رزق را تبیین می‌کنند؛ یعنی می‌توان این خرده‌سنت‌ها را قوانینی دانست که جریان سنت رزق از خلال آنها تحقق می‌یابد. در شکل زیر رابطه این خرده‌سنن با سنت رزق نشان داده شده است.

شکل ۱. نمای کلی از خرده سنن مرتبط با سنت رزق



[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.1.3]

در جمع‌بندی بحث سـنت رزق می‌توان گفت کـه مبتنی بر آیات و روایات، یک عنوان «رزق» وجود دارد که برحسـب صلاح شـخص مقدر می‌شـود و خود به دو نوع تقسـیم می‌گردد: طالب و مطلـوب. عواملی نیز وجـود دارند که موجب کاهش یا افزایش این رزق می‌شـوند. در رزق طالب لازم نیسـت شـخص به دنبال آن برود و بالاخره به شـخص می‌رسـد و تخلفی در آن نیسـت و نیاز بـه طلب و درخواسـت کردن در آن وجود نـدارد. روایاتی هم داریم که خداونـد رزق بندگان را در بین‌الطلوعین تقسیم می‌کند و خواب بودن انسان در آن هنگام، سبب می‌شود که از این رزق محروم گردد (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ق، ج۱، ص۵۰۴). این روایت احتمالاً ناظر به رزق طالب است.

اما رزق مطلوب، برحسب صلاح شخص، مقدر و تعیین شده است و شخص باید به دنبال آن برود و مقدر شـدن آن، به طلب شـخص است؛ یعنی در این قسم، اگرچه رزق مقدر و تعیین شده، ولی این تعیین و تقدیر مشـروط به طلب شخص اسـت و درخواست کردن روزی در آن تقدیر قرار دارد. لذا در این نوع رزق، شـخص باید در حد وظیفه به دنبال رزق برود و در این قسـمت است که دستور به اجمال و میانه‌روی و اعتدال در طلب شده است؛ چراکه رزق انسان در حدی خاص مقدر شده و با تلاش هر چه بیشتر او و حرص ورزیدن، رزق مشخص او افزایش نمی‌یابد. اگرچه ممکن اسـت اموالش زیاد شـود، ولی رزقش افزایـش نمی‌یابد. لذا روایاتی که تأکیـد می‌کنند رزق مقدر اسـت و تا انسـان رزق مقدر خود را نخورد، از دنیا نمی‌رود و تلاش بیش از حد در آن فایده ندارد و انسـان باید رزق خود را از حلال به دسـت آورد، ناظر به همین قسمت هستند و تا شخص تلاش لازم را نداشـته باشـد، این دسته از رزق به او نمی‌رسد. به نظر می‌رسد عواملی هم که در روایات به عنوان عوامل افزایش‌دهنده و کاهش‌دهنده رزق معرفی شـده‌اند، شـامل هر دو دسته از رزق طالب و مطلوب می‌شوند.

در کنـار رزق، «فضـل» قرار دارد که بر طبق روایات، فضل خداوند، بسـیار اسـت و آن را بین مخلوقات تقسیم نکرده و راه دستیابی به آن، دعا، سؤال و درخواست از خداوند است. بنابراین دعا، نقش تعیین‌کننده در دستیابی به فضل خداوند دارد.

۶. جایگاه سنن الهی و به‌ویژه سنت رزق در مدیریت اسلامی

به طور کلی مدیریت اسـلامی تابع ارزش‌ها و مسـئول تزریق ارزش‌ها به جامعه اسـت. ازاین‌رو به نظر می‌رسد یکی از اثرات مهم علوم اجتماعی و به‌ویژه علوم کاربردی از دین، اثرات ناشی از نظام ارزشی دین است. علوم انسانی با انسان سروکار دارند و انسانیت هم بدون ارزش‌ها مفهوم روشنی ندارد. ازاین‌رو همه علوم انسانی به نوعی با مفاهیم ارزشی رابطه دارند. سیستم رفتار انسان از نظام

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.1.3]

ارزشی آگاهانه و ناآگاهانه اثر می‌پذیرد و گزینش یک سیستم رفتاری و ترجیح آن بر دیگر سیستم‌ها چه در مورد فرد، چه در مورد گروه، سازمان یا جامعه بزرگ‌تر، بر اساس نظام ارزشی خاصی شکل می‌گیرد که تعیین‌کننده اهداف و جهت بخش رفتارهاست. بنابراین فرد، گروه، سازمان و یا جامعه‌ای که نظام ارزشی اسلام را پذیرفته باشد، از نظر ابعاد مختلف علوم انسانی دارای ابعاد ارزشی خاصی خواهد بود که به دلیل آن، سیستم رفتاری ویژه و متناسب با آن را گزینش خواهد کرد و گزینش و بروز رفتارهای دیگر نشانه عدم پایبندی به نظام ارزشی اسلام خواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۷۵، ص۱۴). کینی[1] نیز معتقد است تفکر درباره ارزش‌ها می‌تواند تمام فعالیت‌های مدیریت را تحت تأثیر قرار دهد (توکلی، ۱۳۹۱)؛ بنابراین تأثیر نظام ارزشی بر علم مدیریت انکارناپذیر است.

از سوی دیگر رابطه اسلام و آموزه‌های آن با علم مدیریت را می‌توان به طور خلاصه در عرصه‌های گوناگون، از جمله در موارد زیر تصور کرد:

۱. رابطه جهان‌بینی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی با مدیریت؛
۲. رابطه ایدئولوژی و احکام اسلامی با مدیریت؛
۳. رابطه نظام ارزشی اسلام با مدیریت: این رابطه به‌ویژه با علوم کاربردی و عملی است که مدیریت نیز جزو آنهاست. این رابطه از راه تأثیر نظام ارزشی اسلام در اعمال مدیر، تعیین اهداف، استراتژی، خط مشی‌ها، سیاست‌ها، روش‌ها و رویه‌های اجرایی و برنامه‌های عملیاتی ظاهر می‌شود؛
۴. رابطه اسلام با دانشمند مسلمان و محقق در علم مدیریت: این رابطه که مهم‌ترین رابطه اسلام با مدیریت است، از راه معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی و ایدئولوژی اسلام بر فکر و عمل پژوهشگر مسلمان تأثیرگذار است؛ پژوهشگری که برای رفع حوایج مادی و دنیوی و غیرمادی و معنوی جامعه اسلامی با روش‌های مورد پذیرش اسلام به تولید علم مدیریت می‌پردازد و با توجه به این مبانی و مفروضات، نظریه‌پردازی کرده، برنامه‌های عملی، روش‌ها، تکنیک‌ها، اختراعات و ابداعات را ایجاد و ارائه می‌کند (نجاری، ۱۳۸۷، ص۱۵-۱۸).

با توجه به این مقدمه می‌توان گفت که شناخت سنن الهی و لحاظ آنها، تأثیر ویژه‌ای هم بر جهان‌بینی و هستی‌شناسی ما و هم بر مدیریت و نحوه عمل ما می‌گذارد. با شناخت سنن الهی می‌توان به شناختی بی‌بدیل از جهان خلقت و عالم تکوین رسید که این هستی‌شناسی بی‌بدیل است

1. Ralph L. Keeney

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.1.3]

و تأثیر شگرفی بر سیاست‌گذاری و روش‌ها و رویه‌های اجرایی و برنامه‌های عملیاتی می‌گذارد. در مکتب غرب نمی‌توان چنین آموزه‌ای را یافت. در فلسفه تاریخ، مباحثی در ارتباط با قوانین حاکم بر تاریخ وجود دارد که فلاسفه تاریخ به آن می‌پردازند و البته قابل مقایسه با سنن الهی نیست. می‌توان به‌جرئت گفت که تبیین سنن الهی و استفاده از آن در علم مدیریت اسلامی، سبب می‌شود که مدیریت اسلامی از جایگاه ویژه و ممتازی نسبت به مدیریت رایج برخوردار شود.

در بحث کارکردهای سنت رزق و استفاده از آن در مدیریت اسلامی، باید دیگر سنن الهی مرتبط نیز تبیین شوند و ارتباط و نحوه تعامل سنت رزق با سنن دیگر مشخص شود و در ادامه از سامانه به‌دست‌آمده در تبیین مسائل گوناگون استفاده گردد. برای مثال می‌توان به سنت «برکت» اشاره کرد که ارتباطی تنگاتنگ با سنت رزق دارد؛ اما برای نمونه در اینجا می‌توان به برخی کارکردهای سنت رزق اشاره کرد؛ هرچند که این کارکردها مقدماتی‌اند و نیاز به تعمیق دارند.

از سنت رزق می‌توان در بعد اجتماعی در طراحی نظام اقتصادی و سیاست‌های اقتصادی در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی استفاده کرد. همچنین می‌توان از آن در بُعد شخصی در طراحی سبک زندگی اسلامی بهره جست. نیز می‌توان از سنت رزق و خرده‌سنن مرتبط با آن در تحلیل سیاست‌های مختلف چه در داخل کشور و چه در ارتباط با خارج از کشور بهره جست. برای مثال بر اساس سنت رزق، خداوند رزق مؤمنین را در دستان کفار قرار نداده است و به نظر می‌رسد که مذاکره با جهان غرب در دوران تحریم برای رفع آن به سبب مشکلات اقتصادی، سیاستی اشتباه بوده است. به عبارت دیگر بنا بر سنت رزق، خداوند رزق بندگان را خود بر عهده گرفته است و جاری شدن آن، راه‌هایی دارد که باید از همان راه‌ها و مسیرها به دنبال طلب رزق رفت، نه صرفاً از مسیرهایی که بنا بر محاسبات مادی به آن می‌رسیم.

شناخت سنن مرتبط با رزق و اینکه خداوند از چه مسیرهایی رزق بندگان را به آنها می‌رساند و شناخت تدابیر خداوند در رزق دادن به بندگان، تأثیرات جدی بر نظام کسب و کار، هم در حد فردی و هم در حد سازمان و جامعه خواهد داشت. می‌توان نظام کسب و کار را در کلیه سطوح آن، مبتنی بر همین قواعد و سنن تنظیم کرد.

بر اساس این دیدگاه که تمام روابط و حرکت‌های عالم به اراده الهی و در چارچوب سنت‌های اوست، ضروری است به سنت‌های حاکم بر هستی توجه ویژه‌ای شود و با در نظر گرفتن آنها، برنامه‌ریزی در سطوح مختلف انجام گیرد. لازم است برای آنکه در مدیریت امور خود از اثربخشی و کارایی هرچه بیشتر برخوردار شویم، آن را با نظام تدبیر خداوند در عالم هماهنگ کنیم. اگر واقعاً در استفاده از نظام سنن الهی و دیگر آموزه‌های اسلام در بطن زندگی خود کوشا باشیم، خواهیم

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.1.3]

دید که واقعاً دین مبین اسلام در زمینه‌های مختلف از جمله نظام کسب و کار، نظام اقتصادی، نظام مدیریتی و دیگر نظام‌های اجتماعی، حرف جدی دارد که قابل اجرا نیز هست.

نتیجه‌گیری

در این مقاله گفته شـد که علم مدیریت از علومی ارزش‌مدار بوده، تابع ارزش‌های جامعه و مکتب حاکم بر جامعه است. همچنین سنن الهی به عنوان یکی از آموزه‌های مهم اسلام و نظام ارزشی آن، در این مقاله مورد تأکید قرار گرفت که می‌تواند تأثیرات بسـیار مهم و شـگرفی بر مدیریت اسلامی داشته باشد. در همین راستا، جریان سنت رزق و خرده‌سنن مرتبط با آن، به عنوان یک مثال از سنن الهی، بر اسـاس آیات و روایات تبیین گردید. در این مقاله به بیسـت خرده‌سـنت رزق که در عالم خلقـت جریـان دارند، به عنوان قوانینی کـه خداوند از طریق آنها رزق بندگان را به آنها می‌رسـاند، اشاره شد. در نهایت تأثیر این نظام سنن الهی و به طور خاص سنت رزق بر علم مدیریت به‌اجمال مورد بررسی قرار گرفت.

گفتنی اسـت که این مقاله نقطه شروعی در تبیین اهمیت و ضرورت سنن الهی و لحاظ آنها در حوزه مدیریت اسلامی به حساب می‌آید. لازم است تا تحقیقات فراوان دیگری در این زمینه صورت گیرد تا هر یک از این سنن الهی بر اساس آیات و روایات تبیین گردد و پس از آن نظام حاکم بر سنن اسـتخراج شود که در نهایت این نظام استخراج‌شـده به عنوان مبنای تدوین علوم انسانی اسلامی و به طور خاص، علم مدیریت اسلامی لحاظ گردد. تدوین مدیریت اسلامی بدون توجه به این نظام سنن، از غنای لازم و کافی برخوردار نخواهد بود؛ چراکه این نظام سنن به مثابه نظام تدبیر خداوند در عالم خلقت است و مدیریت کردن در این عالم، بدون لحاظ این نظام تدبیر خداوند، از قابلیت و ثمره لازم برخوردار نیست.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.1.3]

منابع

۱. **قرآن کریم.**
۲. **نهج‌البلاغه.**
۳. **صحیفه سجادیه.**
۴. ابن‌بابویه، محمدبن‌علی (۱۳۶۲). **الخصال.** قم: جامعه مدرسین.
۵. ابن‌بابویه، محمدبن‌علی (۱۳۷۶). **الأمالی (للصدوق).** تهران: کتابچی.
۶. ابن‌بابویه، محمدبن‌علی (۱۳۸۵). **علل الشرایع.** قم: کتاب‌فروشی داوری.
۷. ابن‌بابویه، محمدبن‌علی (۱۴۰۶ق). **ثواب الأعمال وعقاب الأعمال.** قم: دارالشریف الرضی للنشر.
۸. ابن‌بابویه، محمدبن‌علی (۱۳۹۸ ق). **التوحید (للصدوق).** قم: جامعه مدرسین.
۹. ابن‌شعبه حرانی، حسن‌بن‌علی (۱۴۰۴ق). **تحف العقول.** قم: جامعه مدرسین.
۱۰. ابن‌فارس، احمدبن‌فارس، (۱۴۰۴ق). **معجم مقاییس اللغه.** قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۱. ابن‌قولویه، جعفربن‌محمد (۳۶۷ ق). **کامل الزیارات.** تهران: دارالمرتضویه.
۱۲. ابن‌بابویه، محمدبن‌علی (۱۴۱۳ق). **من لایحضره الفقیه.** قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. آل رسول، سوسن، و بردابرد، پروین (۱۳۹۲). توسعه و قبض رزق و روزی از منظر قرآن کریم، **کوثر.** ۴۷: ۵۹-۷۲.
۱۴. امیری طهرانی، سیدمحمدرضا (۱۳۸۹). حق معاش، اصل موضوعه اقتصاد اسلامی، **اقتصاد تطبیقی.** ۱(۱): ص۱-۲۲.
۱۵. ابن‌حیون، نعمان‌بن‌محمد مغربی (۱۳۸۵ق). **دعائم الاسلام.** قم: مؤسسه آل‌بیت:.
۱۶. باقری، مصباح الهدی، و همکاران (۱۳۹۲). تبیین جایگاه سنت رزق و اعتقاد به آن در کسب و کار از دیدگاه قرآن کریم، **مدیریت اسلامی.** ۶: ۲۵۵-۲۸۷.
۱۷. بحرانی، ه. (۱۴۲۸ق). **البرهان فی تفسیر القرآن.** قم: مؤسسه دارالمجتبی للمطبوعات.
۱۸. برقی، احمدبن محمدبن‌خالد (۱۳۷۱ق). **المحاسن.** تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. پورطولمی، منیرالسادات (۱۳۸۹). رحمت اللهی و رزق بندگان در هستی‌شناسی قرآن، **فدک.** ۴۰: ۳۷-۵۶.
۲۰. تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد (۱۴۱۰ق). **غررالحکم ودررالکلم.** قم: دارالکتاب الاسلامی.
۲۱. توکلی، عبدالله (۱۳۹۱). تحلیل جایگاه ارزش‌ها در مدیریت؛ گامی در نظریه‌پردازی مدیریت اسلامی، **روش‌شناسی علوم انسانی.** ۷۱: ۹۹-۱۱۸.
۲۲. جدیدی، احمد (۱۳۹۰). رزق و روزی در قرآن و روایات، **پژوهشنامه معارف قرآنی.** ۵: ۲۵-۵۸.
۲۳. جوهری، اسماعیل‌بن‌حماد (۱۳۷۶). **صحاح اللغه.** بیروت: دار العلم للملایین.
۲۴. حاجی اسماعیلی، محمدرضا، و ساجدی، فاطمه (۱۳۹۰). مفهوم‌شناسی رزق معنوی در قرآن با محوریت حضرت موسی و نوع۸، **کوثر.** ۳۹: ۱۵۷-۱۷۶.
۲۵. حجازی‌فر، سعید (۱۳۹۶). رویکردها و منظومه پژوهشی مطالعات مدیریت اسلامی، **مجله مدیریت اسلامی.** ۱۷: ۵۷-۸۹.
۲۶. حجتی، سیدمحمدباقر، و رضایی، علی (۱۳۸۶). جمع میان مفهوم مقدر بودن رزق با تأثیر تلاش و تدبیر در جلب رزق، **پژوهشنامه قرآن و حدیث،** ۳: ۷-۳۲.
۲۷. حمیری، عبدالله‌بن‌جعفر (۱۴۱۳ق). **قرب الاسناد.** قم: مؤسسه آل‌بیت:.
۲۸. خسروی حسین، (۱۳۹۴). **وسعت رزق و روزی.** قم: طوبای محبت.
۲۹. دهدست، محمدرضا (۱۳۹۱). رزق را روزی‌رسان پر می‌دهد؛ رزق و روزی از دیدگاه آیات و روایات، **رشد آموزش معارف اسلامی.** ۸۴: ۲۰-۲۴.
۳۰. دهقانی، روشن، و هادوی، اصغر (۱۳۹۵). آثار طبیعی رزق حلال با تأکید بر آیات و روایات، **پژوهشنامه معارف قرآنی.** ۲۴: ۸۳-۱۰۳.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.1.3]

۳۱. دیلمی، حسن‌بن‌محمد (۱۳۷۱). **إرشادُ القُلوب**. قم: الشریف الرضی.
۳۲. راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد (۱۴۱۲ق). **المفردات**. بیروت: دارالقلم.
۳۳. رحیمی، مرتضی (۱۳۹۲). نقش رزق حلال در استحکام نهاد خانواده در سیره و سخن امام رضا۷، **فرهنگ رضوی**. ۱ (۲): ۱۲۵-۱۵۴.
۳۴. صدر، محمدباقر (۱۳۹۳). **سنت‌های تاریخ در قرآن**. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۵. طباطبائی سیدمحمد حسین (۱۴۱۷ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۶. طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). **تفسیر المیزان**. ترجمه ع. موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۷. طبرسی فضل‌بن‌حسن، (۱۳۷۲). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۸. طبرسی، فضل‌بن‌حسن (۱۴۱۲ق). **مکارم الأخلاق**. قم: الشریف الرضی.
۳۹. طریحی فخرالدین (۱۳۷۵). **مجمع البحرین**. تهران: مرتضوی.
۴۰. عاملی، حر (۱۴۰۹ق). **وسائل الشیعه**. قم: مؤسسه آل‌البیت:.
۴۱. عبداللهی‌پور، مهدی (۱۳۹۱). فلسفه تکفّل روزی‌ها از جانب خداوند در قرآن، **قبسات**. ۶۳: ۱۵۷-۱۷۴.
۴۲. عبداللهی‌پور، مهدی، و مهدوی‌راد، محمدعلی (۱۳۹۱). حکمت گونه‌گونی روزی‌ها از دیدگاه قرآن، **اندیشه نوین دینی**. ۸ (۲۹): ۵۳-۶۸.
۴۳. عروسی حویزی، عبد علی‌بن‌جمعه (۱۴۱۵ق). **تفسیر نور الثقلین**. قم: انتشارات اسماعیلیان.
۴۴. فروزنده دهکردی، لطف‌الله، و ملانی، الهه (۱۳۸۸). بررسی نظام ارزشی در مدیریت اسلامی و دیگر مکاتب، **راهبرد توسعه**. ۱۷: ۱۶۶-۱۸۷.
۴۵. فولادگر، محمد (۱۳۸۲). رزق و رزاق از دیدگاه قرآن، **کوثر**. ۱۰: ۲۵-۳۵.
۴۶. فولادگر، محمد، و خاری آرانی، سمیه (۱۳۹۴). بازکاوی عوامل توسعه رزق در اسلام، **معرفت**. ۲۱۲: ۴۱-۵۶.
۴۷. کلینی، محمدبن‌یعقوب (۱۴۰۷ق). **الکافی**. تحقیق علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۸. مجلسی، محمدباقر (۱۱۱۰ ق). **بحارالانوار**. بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
۴۹. محدث نوری، حسین (۱۴۰۸ق). **مستدرک الوسائل**. قم: مؤسسه آل البیت:.
۵۰. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۴). **میزان الحکمه**. قم: دارالحدیث.
۵۱. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۸). **جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن**. قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
۵۲. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۵). تبیین مفهوم مدیریت اسلامی، **مجله معرفت**. ۱۷: ۱۳-۱۶.
۵۳. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶). **پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی**. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی:.
۵۴. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵۵. نجاری، رضا (۱۳۸۷). **مبانی مدیریت اسلامی**. تهران: دانشگاه پیام نور.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.1.3]